

پژشکیان:

اصلاح امور کار ساد‌های نیست



رئیس‌جمهور عصر پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۴ در سفر به کردستان در نشست با فعالان سیاسی این استان، بسا تأکید بر اهمیت انتخاب مدیران شایسته و باور به خدمت صادقانه، گفت: عمده مشکل کشور نه ناشی از کمبود منابع، بلکه ناشی از عدم مدیریت صحیح است. هر مسؤولی در جایگاه خود می‌تواند با خرد جمعی، بسیاری از مشکلات را حل کند و نیازی به نسخه‌پیچی از تهران نیست.

مسعود پژشکیان افزود: «تغییر و اصلاح در کشور ساده نیست. برخی افراد تلاش می‌کنند قدرت را برای کسب منافع شخصی حفظ و حتی رفتار غلط خود را تحت عنوان مصلحت نظام توجیه کنند. ما باید بر اساس حق و عدالت، قدرت را در جامعه اعمال کنیم تا حقوق واقعی شایستگان و آحاد جامعه محقق شود.»

قابلیاف:

برای تجارت ۱۰میلیارد دلاری با پاکستان اقدامات بیشتری لازم است



رئیس مجلس شورای اسلامی که در صدر هیأتی پارلمانی به پاکستان سفر کرده‌است، صبح جمعه ۱۶ آبان دیدار دوجانبه‌ای با «محمد شهباز شریف» نخست‌وزیر این کشور داشت.

محمدباقر قالیباف در این دیدار گفت: ما بیش از هر زمانی نیازمند توسعه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی میان ۲ کشور هستیم و می‌بایست توافقاتی را که در سفر رئیس‌جمهور ایران به پاکستان به امضای طرفین رسید، پیگیری و اجرایی کنیم. وی اظهار داشت: برای تحقق هدف رسیدن تجارت میان ۲ کشور به ۱۰ میلیارد دلار، لازم است در حوزه‌های بانکی، نهاتر و تجارت آزاد اقدامات بیشتری کنیم. همچنین درباره بازارچه‌های مرزی و امور گمرکی باید کارهای اجرایی به پیش رود. باید موانع گمرکی برطرف شده و تجارت را تسهیل کنیم.

رئیس مجلس ادامه داد: ما در ایران آمادگی داریم روابط را توسعه دهیم. همانگونه که می‌توانیم از محصولات کشاورزی شما استفاده کنیم، شما نیز می‌توانید از قابلیت‌های انرژی ما استفاده کنید. دولت و پارلمان ایران گام‌های رو به جلویی در این مسیر برداشته‌اند.

قالیباف همچنین در این دیدار به همراهی مردم، دولت و مجلس پاکستان با ایران اسلامی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اشاره کرد و گفت: جا دارد از مردم حق‌طلب پاکستان که با درک بالای سیاسی در کنار دولت و مجلس پاکستان در شرایط سخت جنگ ۱۲ روزه، در کنار مردم ایران ایستادند، تشکر کنم. این حمایت در ذهن مردم و مسؤولان ایران خواهد ماند.

گروسی:

دیپلماسی تنها راه پایدار در قبال ایران است

مدیرکل اژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مصاحبه‌ای جدید بدوغم اذعان به اینکه حملات آمریکا و اسرائیل ضربتهای به دیپلماسی با ایران بوده‌است، خواستار بازگشت به مذاکرات هسته‌ای با ایران شد. رافائل گروسی در مصاحبه با شبکه فرانس ۲۴ گفت دیپلماسی تنها راه‌حل پایدار در قبال برنامه هسته‌ای ایران است.

وی بدون محکوم کردن حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در ماه ژوئن (خرداد و تیر) ادامه داد این حملات به دیپلماسی با ایران ضربه زد. او در عین حال گفت: «باید به دیپلماسی آبا [ایران] برگردیم». مدیرکل اژانس همچنین مدعی شد حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات کلیدی غنی‌سازی ایران در نطنز، اصفهان و فردو آسیب زده اما اثری بر دانش فنی ایران در زمینه هسته‌ای نداشته است.

مدرن دیپلماسی:

آمریکا، ایران را به سمت چین هل داد

اندیشکده «مدرن دیپلماسی» در گزارشی نوشت: رژیم تحریم‌های آمریکا علیه ایران از هدف اولیاش، یعنی فشار اقتصادی برای تغییر رفتار، فراتر رفته و عملاً به ابزاری برای تضعیف نظم غربی و تقویت فتنه‌های شرقی تبدیل شده‌است. اما تحریم‌ها نه‌تنها روابط ایران با جهان را محدود نکرد، بلکه همکاری تهران – یکن را عمیق‌تر ساخت.

این روند چنان ساختاری شده که بازگشت ایران به تعامل با غرب دشوارتر از همیشه است. نویسنده هشدار داد ادامه سیاست «تحریم به عنوان نخستین و آخرین ابزار» به زبان خود آمریکاست. او پیشنهاد می‌کند واشنگتن نقشه راهی برای کاهش تدریجی تحریم‌ها در برابر امتیازات را طراحی کند تا زمینه گفت‌وگو با تهران و کاهش وابستگی ایران به چین فراهم شود.

عصر جمعه در میدان انقلاب

تهران، از مجسمه‌ای رونمایی شد که مدت‌هاست در نقش رستم مرودشت استان فارس حک شده: «زانو زدن امپراتور روم در برابر شاپور». تصویری نمادین برابر شاپور»

از یک نبرد تاریخی میان ۲ تمدن ایران و روم در قرن سوم میلادی که به تحقیر باورنکردنی سپاه روم منجر شد. این رونمایی ۳ روز پس از ۱۳ آبان بود؛ جایی که رهبر معظم انقلاب با برشمردن پیشسینه آمریکا در ضربه زدن به ایران تصریح کردند اختلاف ایران و آمریکا، اختلاف ذاتی است و نه تاکتیکی. در نگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، آمریکا تا زمانی که بر مشی و مرام استکباری پیش برود، تیغ کشیده علیه هر ملت و مردمی است که به دنبال حیات استقلال‌طلبانه است و از این جهت است که دشمنی آمریکا با ایران، نه از ۱۳ آبان ۵۸ که از مدت‌ها پیش آغاز شده، شاید پیش از تلاش برای سرنگونی دولت مصدق با همدستی انگلیس. شاید با همان تعبیری که رئیس‌جمهور آمریکا بدان اشاره کرد و در رصد آیت‌الله خامنه‌ای هم قرار گرفت: «این آقایی که امروز سر کار است در آمریکا، مساله را لو داده، آن هدف حقیقی را روشن کرد؛ گفت مقابله ما با ایران، با ملت ایران برای این است که ایران گوش به فرمان آمریکا باشد! ما ملت ایران باید این را درست بفهمیم؛ این مساله مهمی است.»

■ مستکبرها علیه ایران

با این نگاه، همه مستکبران در یک صف قرار می‌گیرند، صرف نظر از نام، حکومت، جغرافیا و تاریخی که بدان وابسته‌اند. روزی والربن چشم طمع به خاک ایران می‌کند و روزگاری ترامپ اصرار دارد فرمانده حمله به ایران او بوده است. چیزی که همین ۲ شب پیش، رئیس‌جمهور آمریکا برای چندمین بار بدان اشاره کرد. ترامپ همچنان حمله به ایران را به خود نسبت می‌دهد و از بمباران ۳ تأسیسات هسته‌ای در نطنز، فردو و اصفهان حرف می‌زند و البته از حمله به پایگاه آمریکایی‌ها در العدید قطر سخنی نمی‌گوید. مستکبران اعتراف نمی‌کنند اما بالاخره زانو می‌زنند. مثل والربن، در نبرد ادسا که در جنوب ترکیه کنونی است. اتفاقا در آن نبرد هم شمار غربی‌ها بیشتر بود. مثل همه رویارویی‌های دیگری که در تاریخ سراغ داریم. آخری هم همین نبرد ۱۲ روزه بود که سامانه ۶ لایه گنبد آهنین اسرائیل نیز نتوانست برابر موشک‌های ایران ایستادگی کند؛ سامانه‌ای متکی بر کمک فنی، مالی و تسلیحاتی غرب. اسرائیل بزرگ‌ترین دریافت‌کننده کمک خارجی آمریکا از زمان تأسیسش در سال ۱۹۴۸ بوده و تا ۲۰۲۵، بیش از ۳۰۰ میلیارد دلار کمک نظامی و اغلب نظامی دریافت کرده‌است. گزارش اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا نشان می‌دهد این کشور سالانه ۳۸ میلیارد دلار (شامل ۵۰۰ میلیون دلار برای دفاع موشکی) به رژیم صهیونیستی اختصاص می‌دهد.

با این حال، موضوع مهم‌تر این است که این شکست‌ها که اغلب پنهان می‌ماند، به روند تکرار شونده‌ای رسیده که ثبات جمهوری اسلامی ایران را نوید می‌دهد. گویی نظام سیاسی کنونی ایران به رویین‌تنی دست یافته و اصل و اساسش دیگر هرگز بر نمی‌افتد، اگر چه هنوز به ۵۰ سالگی خود هم نرسیده است. همین ۱۰ روز پیش، معاون جوان همان ترامپ تصریح کرد «دنبال تغییر نظام ایران نیستیم»؛ هدفی که شکل نوینی از کودتاهای خشن آمریکایی در کشورهای آمریکای لاتین بود و در ۲۵ سال اخیر به دستور کار اصلی سیاست خارجی آمریکا در سوریه و لیبی تبدیل شد. ایستادگی ایران برابر شکل‌های مختلف سخت و تلخ براندازی همچون ۱۳۸۸، ۱۳۹۸، ۱۴۰۱، ۱۴۰۴ نشان داده جمهوری اسلامی ایران نه با انقلاب در قدرت به قمار جنگ بکشدان، مانع اول برای دور بعد جنگ خواهد بود.

■ صورت‌حساب بلند بالا

محور مهم دیگر، وضعیت اقتصادی و هزینه تمام‌شده درگیری با ایران برای اسرائیل است. این شاخص هم اشاره به هزینه‌کرد نظامی و هم به وضعیت عمومی اقتصادی و شاخص‌های اقتصاد کلان در رژیم دارد. جنگ‌های طولانی‌مدت از اکتبر ۲۰۲۳، اقتصاد اسرائیل را از یک مدل «واوری‌محور» به یک «اقتصاد جنگی» ساختارلی و تسکین تبدیل کرده است. برآورد می‌شود هزینه کل فعالیت‌های مرتبط با جنگ (از اکتبر ۲۰۲۳ تا پایان سال ۲۰۲۵) از ۶۹ میلیارد دلار فراتر خواهد رفت. بودجه دفاعی ارتش صهیونیستی هم برای سال ۲۰۲۵ به رقم نجومی ۱۰۷ میلیارد یشکل (۲۹ میلیارد دلار) رسیده است. این رقم که عمدتاً صرف خرید تسلیحات، جبران خسارات و تدارکات می‌شود، نشان‌دهنده افزایش ۶۵ درصدی نسبت به سطح بودجه دفاعی قبل از جنگ است. این هزینه‌های هنگفت، ستون فقرات مالی اسرائیل را در هم شکسته است. پیش‌بینی می‌شود کسری بودجه سال ۲۰۲۳ به ۷ درصد تولید ناخالص داخلی برسد. اژانس رتبه‌بندی S&P کسری ۶ درصد را پیش‌بینی کرده، در حالی که نهادهای داخلی اسرائیل، کسری بالای ۵ درصد را پیش‌بینی می‌کنند و همزمان، نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی به سرعت به ۷۰ درصد نزدیک می‌شود. پیامد مستقیم این وضعیت، سقوط اعتبار رژیم در سطح جهانی بوده است. اعتبار اسرائیل «به طور هشداردهنده‌ای به وضعیت «بنجل» نزدیک شده است که این تنزل، یک فروپاشی فاجعه‌بار در جایگاه مالی یک اقتصاد توسعه‌یافته است.» اقتصاد اسرائیل به دشواری می‌تواند با وضعیت پیش رو از پس یک جنگ پرهزینه دیگر با ایران برآید. شاید حداقل می‌توان اینطور گفت که این اقتصاد در آینده کوتاه تاب این اقدام پرمخاطره را ندارد.

■ موشک‌های لوکس

محور مهم و البته شاید یکی از مهم‌ترین محورها، مساله هزینه رهگیری موشک‌ها به عنوان بخشی از اقتصاد جنگ در رژیم است. اگر بحران اقتصادی رژیم وضعیت نگران‌کننده‌ای داشته باشد، بحران جستیک نظامی که در جنگ ژوئن ۲۰۲۵ آشکار شد، وحشتناک است. این جنگ، آسیب‌پذیری اسرائیل و متحدانش را در زمینه ذخایر گرانبه‌تری رهگیرهای موشکی آشکار کرد. بر اساس گزارش مهم «موسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا» (JNSA)، کل هزینه رهگیرهای مصرف‌شده توسط ایالات متحده و اسرائیل در جنگ ۱۲ روزه، بین ۱،۴۸ تا ۱،۵۸ میلیارد دلار برآورد شده است اما نکته فاجعه‌بار در

نگاهی به ملی گرایی پدیدآمده پس از جنگ ۱۲ روزه به بهانه رونمایی از مجسمه والربن در تهران

مقابل ایران زانو می‌زنید



■ مجسمه مردم را بسازند!

همراه با مجسمه زانو زدن والربن در برابر شاپور، تابلوهایی دیگری هم روی بیلبردهای شهر رفت، از نقش شهید حاجی‌زاده در کنار دستاورد موشکی ایرانی‌هایی که در پی دفاع از حیثیت و حریم ایران هستند تا شهید رئیسه‌لی دلاوری و میرزا کوچک‌خان، سرداران پرافتخاری که خون به دل متجاوزان کردند و ملوانان نیروی دریایی آمریکا که مقابل پاسداران ایرانی روی پا نشستند و دست تسلیم بر سر بردند یا صفوف متراکم مردمی که در ۸ سال دفاع مقدس، از جیب و جان خود زندت تا خاک ایران لگدکوب اجنبی نشود. چیزی که فصل تمایز ایران و همه قربانیان کودتاها و جنگ‌های غربی‌ها علیه دیگر ملت‌هاست، همین مردمند. همین‌ها که رد تحریم‌های فلج‌کننده اواما را بر شاه و خستگی حاصل از تنگی معیشت فشار حداکثری را در زانو دارند اما نوجیبانه و همدلانه همچنان به فرمان رهبرشان، حداقل طلا و دارایی خود را نیز به جبهه

گزارش درباره به نقاط ضعف رژیم صهیونیستی در مقابل ایران

آیا دور دومی در کار خواهد بود؟

ایران باشد اما ارزیابی‌های CSIS و IISS نشان می‌دهد این دکترین در عصر حاضر، در برابر یک برنامه هسته‌ای پراکنده، عمیق و پیشرفته، دیگر کارایی ندارد. حمله نظامی دیگر یک «راه‌حل» نیست، بلکه صرفاً یک «تأخیر پرهزینه» است. این شکست، عملاً رژیم را از مؤثرترین ابزار سنی خود علیه ایران خلع سلاح کرده و احتمال وقوع مجدد آن را هم از بین برده است.

■ جامعه‌ور شکسته

مهم‌ترین عاملی که هرگونه جنگ آتی را محدود می‌کند، نه در میدان نبرد، بلکه در جبهه داخلی اسرائیل قرار دارد. بیش از ۲ سال جنگ در غزه، لبنان و ایران، مستقیماً به فروپاشی «تاب‌آوری» و از بین رفتن اجماع سیاسی برای این جنگ منجر شده است. نظرسنجی‌های «شاخص تاب‌آوری» که توسط موسسه دموکراسی اسرائیل (IDI) انجام شد، به صراحت شاخص‌های نگران‌کننده‌ای را ثبت کرد. این نظرسنجی‌ها نشان‌دهنده سطوح بی‌سابقه‌ای از «خستگی جنگی» و «فروبودگی» در میان افکار عمومی است. این پرسودگی صرفاً یک احساس عمومی یا عاطفه بی‌اثر جمعی نیست، بلکه یک عامل استراتژیک تعیین‌کننده است. مهم‌تر از همه، داده‌های IDI نشان‌دهنده سقوط شدید حمایت عمومی از یک «جنگ انتخابی» جدید، بویژه علیه ایران است. بر اساس این داده‌ها که در شاخص Voice of Israel of گردآوری شده‌اند، دلیل عمده این خستگی، ۲ سال تمام زندگی در شرایط جنگی است.

از سوی دیگر، دولت صهیونیستی برای توجیه آغاز جنگ علیه ایران، وعده «پیروزی مطلق» را داده بود. نرسیدن به این هدف و پذیرش واقعیت‌های تلخ میدانی، باعث فروپاشی اعتبار دولت شده و این فروپاشی اعتبار، به شکاف‌های سیاسی داخلی دامن زده و اجماع لازم برای هر گونه عملیات نظامی بزرگ در آینده را نابود کرده است. بنابراین ارتش اسرائیل ممکن است از نظر تئوری توانایی بمباران را داشته باشد اما دولت اسرائیل توانایی سیاسی برای صدور دستور آن را از دست داده است.

■ دست روی ماشه

آیا داده‌های گردآوری‌شده مورد اشاره، می‌تواند تضمینی قطعی برای عدم وقوع درگیری باشد؟ لزوماً خیر! بویژه آنکه نتایجاو بارها و بارها نشان داده با تصمیمات غافلگیرانه‌ای که وضعیت سیاسی او را تضمین کند، می‌تواند از حدود تصمیمات عقلانی فراتر رود. آنچه بر عهده نیروهای مسلح و دستگاه‌های نظامی و امنیتی کشور است، حفظ مطلق آمادگی رزمی و جنگی تا اطلاع ثانوی است که البته تاکنون نیز چنین بوده است. نکته مهم آن است که میان وظایف رسانه و نیروهای مسلح باید یک تفکیک اصولی شکل گیرد. رسانه وظیفه دارد بر اساس داده‌های معتبر نشان دهد چرا وقوع دور جدید جنگ نامتحم‌ل می‌نماید اما نیروهای نظامی کشور اتفاقاً باید تحلیلی در نقطه مقابل داشته باشند. داده‌ها تا به این نقطه و بدون تغییر چشم‌گیر در وزن متغیرها نشان می‌دهد اسرائیل به این آسانی دوباره نمی‌تواند کاری شبیه آنچه ۲۳ خرداد انجام داد را انجام دهد اما باید هوشیار بود و کمترین تغییرات در میدان را به بدترین شکل تفسیر کرد.